شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

اشنبه

سال شانزدهم
۱۳ خرداد ۱۴۰۳
۲۴ ذی‌القعده ۱۴۴۵
شماره ۴۲۳۱

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۵-۱ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۰۵۱
- نمابر: ۳۸۴۹۰۳۸۴-۰۵۱
- روابط عمومی: ۳۸۴۸۳۷۵۲-۰۵۱
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

| | |
|---|---|
| ۱۸٪ رطوبت هوا | ۳۳° ↑ ۱۸° ↓ |
| صبح ۲۵ | ظهر ۳۲ |
| عصر ۲۷ | شب ۲۵ |

اوقات شرعی مشهد

- اذان ظهر ۱۱:۲۹:۳۸
- غروب آفتاب ۱۸:۴۴:۲۳
- اذان مغرب ۱۹:۰۵:۲۹
- نیمه شب شرعی ۲۲:۳۶:۴۷
- اذان صبح فردا ۰۲:۲۸:۳۸
- طلوع آفتاب فردا ۰۴:۱۴:۳۷

در قاب تاریخ

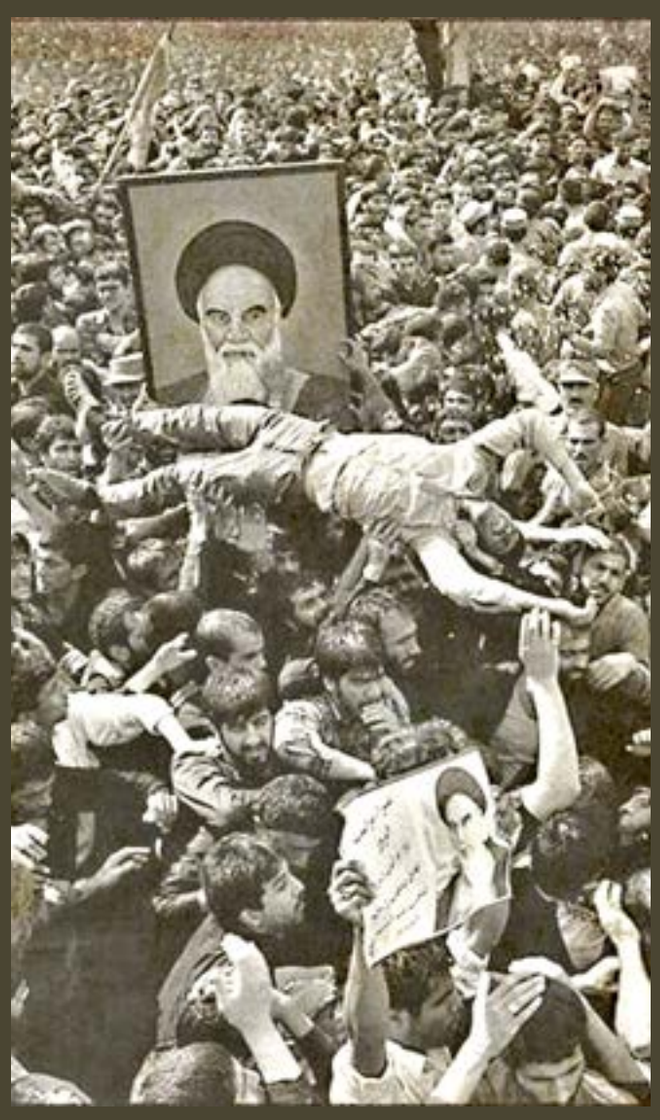

تصویری از تشییع و خاک سپاری امام خمینی(ره).

## خبر پتک سنگین در آیینه بود

دلی داشتم، شانه بر شانه رفت ..... دریغا که خورشید این خانه رفت
دریغا از آن شور شیرین، دریغ ..... از این جا، از این داغ سنگین، دریغ
از این جا که غم روی غم می رود .....و اندوه و دریا به هم می رسد
از این جا که کوه است و پژواک غم ..... و جنگل که سر برده در لاک غم
از این جا که از سینه خون می رود ..... و ماتم ستون در ستون می رود
از این جا که قامت، دوتا کرده ام ..... خبر را لباس عزا کرده ام
خبر، فرصت تیغ با سینه بود..... خبر، پتک سنگین در آیینه بود
خبر آمد و هر چه بر پا شکست ..... خبر آمد و پشت دریا شکست
خبر، تیشه بر ریشه جان گرفت.....خبر، از دلم بود و باران گرفت
خبر آمد و چشم این خانه رفت ..... دلی داشتم شانه بر شانه رفت
دلم رفت و شیون تماشایی است..... و دیگر غم این جا، غم این جایی است
غم و غربت و من به هم آمدند ..... شب و شهر و شیون به هم آمدند
در این شور و شیون کسی گم شده است ... و در سینه من کسی گم شده است
دریغا ستون های این سینه سوخت .....و یک شهر در سوگ آیینه سوخت
بیا سوز ماتم که می خواهمت .....خرابم کن ای غم که می خواهمت
خرابم کن ای غم، که بارانی ام..... سزاوار آوار و ویرانی ام
خرابم کن امشب شکستن سزاست .....غریبانه با غم نشستن سزاست
سزاوار دردم؛ صدایم کنید.....به دردآشنا، آشنایم کنید
به آنان که شیپور شیون زدند ..... خبر را چون آتش به خرمن زدند
به آنان که کاری گران کرده اند .....و بر شانه تشییع جان کرده اند
به آنان که در خود خجل مانده اند .....به آنان که در سوگ دل مانده اند
به آنان که آیینه گم کرده اند ..... و خورشید در سینه گم کرده اند
به آنان که بی گاه پژمرده اند.....و بر شانه چشم مرا برده اند
نمی بینم او را، خدایا کجاست؟ ..... و آن چشم محراب و معنا کجاست؟
خبر آمد و چشم این خانه رفت ..... دلی داشتم شانه بر شانه رفت

محمدرضا عبدالملکیان

اول شخص

روایتی از گفت و گوی اوریانا فالاچی، نویسنده و خبرنگار ایتالیایی با حضرت امام(ره) در سال ۱۳۵۸ که ماندگار و تاریخی شد

# او با تمام رهبران خاورمیانه فرق داشت

آزاده چشمه سنگی
نویسنده

سال ۱۳۵۸ بود. نام آیت ا... خمینی(ره) و خبر تحولات داخلی ایران، به تیتر یک نشریات غربی تبدیل شده بود. چهره مقتدرانه رهبر انقلاب و محبوبیت بی نظیر او در میان مردم ایران، توجه هر کشوری را به خود جلب می‌کرد. اوریانا فالاچی، آن روزها در ایتالیا، یک خبرنگار پنجاه ودوساله موفق بودکه دنیا او را به مصاحبه های جنجالی اش با چهره های برجسته بین المللی می شناخت. زنی نویسنده‌که در روزگار جوانی همچون بسیاری از نویسندگان بزرگ جهان، تحصیلات آکادمیکش را رها کرد و مدتی بعد به پیشنهاد عمویش به روزنامه نگاری مشغول شد. اوریانا، شیفته‌گفت وگو با آدم هایی بودکه فارغ از جناح و عملکرد سیاسی خود، نفوذ گسترده‌ای در میان هواداران خود دست و پا کرده بودند. آدم هایی که نامشان یک تنه، نیمی از صفحه اول روزنامه را پر می‌کرد و اخبار اثرگذاری آن ها، آغازگر فصل تازه ای در تاریخ معاصر یک کشور بود. تا مهر سال ۱۳۵۸، جهان اوریانا فالاچی را به مصاحبه های جنجالی اش با یاسر عرفات، ذوالفقار علی بوتو، ایندیرا گاندی و معمر قذافی می شناخت، اما ایرانی ها او را با گفت وگو برابر محمدرضا شاه پهلوی به یاد می آوردند. شش سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بودکه اوریانا به ایران آمده بود تا با تکنیک های خبرنگاری اش، شاه پرحاشیه خاورمیانه را به چالش بکشد. فالاچی، استاد عصبانی کردن سوژه ها بود. صریح و بی پروا سؤال می‌کرد و مصاحبه شونده را بارها با اطلاعات سیاسی اجتماعی گسترده اش به بن بست می‌کشاند. او به واسطه رسوایی محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۵۱ محبوب ایرانیانی بودکه پیروزمندانه از انقلاب عبورکرده بودند. اما سال ۱۳۵۸،

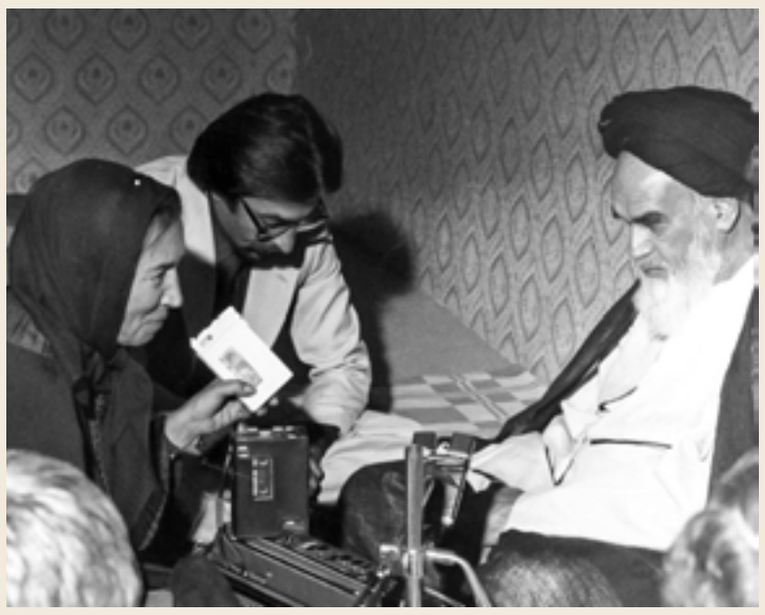

سودای گفت وگو با رهبر انقلاب اسلامی ثانیه ای رهایش نمی‌کرد. پیام داد به مترجم آثارش در ایران، گفت یک قرار ملاقات با امام خمینی(ره) می خواهد. او به خوبی می دانست امام خمینی(ره) خیلی سخت به درخواست قرار مصاحبه پاسخ مثبت می دهد. آن هم یک خبرنگار زن که به‌گفت وگوهای ویژه اش شهرت دارد. این سرسختی امام(ره)، اوریانا را برای ملاقات تشنه تر می‌کرد. پس با پروازی مستقیم از ایتالیا به ایران آمد و از فرودگاه تهران راهی قم شد. ۱۰روز طول کشید تا امام(ره) رخصت ملاقات داد. حالا فالاچی با پوشش کامل یک زن مسلمان با چادر و روسری راهی مدرسه فیضیه قم شد. جایی که امام(ره) با میهمانانش ملاقات می‌کرد. اوریانا پابرهنه به اتاق گفت وگو وارد شد. در نگاه اول، سادگی اتاق، تصور او را درباره کیفیت زیست رهبر بزرگ ترین انقلاب جهان دگرگون کرد. ناگزیر دوزانو برابر امام(ره) نشست، در حالی که ابوالحسن بنی صدر در مقام مترجم به همراه سیداحمد خمینی در اتاق حاضر بودند. ضبط صوت روشن شد و اوریانا با اولین سؤال، پا به میدان گفت وگو گذاشت: «ایران در دست شماست و حرف های شما کاملا مورد قبول است. حرف های شما قانون می شود در این کشور و حالت اجرایی پیدا می‌کند. در مملکت بعضی ها هستندکه فکر می‌کنند در این کشور آزادی نیست. حضرتتان چه می فرمایید؟» اوریانا زیرک تر از آنی بودکه نداند این انقلاب، اصلا با داعیه آزادی بیان و عدالت اجتماعی به میدان آمده است. با این حال تیر نخست او با پاسخ کوبنده امام(ره) به سنگ خورد: «بگوییدکه ایران در دست من نیست، در دست ملت است. در مملکت ما آزادی اندیشه هست. آزادی قلم هست. آزادی بیان هست. ولی آزادی توطئه و آزادی فسادکاری نیست. شما اگر توقع داریدکه ما بگذاریم بر [علیه] ما توطئه کنند و مملکت ما را به هرج و مرج بکشند، به فساد بکشند و مقصودشان از آزادی این است، در هیچ جای دنیا همچو آزادی نیست.» حالا در همان دقایق نخست گفت وگو، اوریانا ذوب در تسلط گفتار و پاسخ های هوشمندانه امام(ره) شده بود. او هرگز شبیه به آن کسی نبودکه در برخی تبلیغات ضداسلامی دیده بود. اقتدار در چشمانی موج می زدکه هرگز به سوی اوریانا نچرخید. هر پرسشی‌که بوی حاشیه می داد، با پاسخ صریح امام(ره) به متن ماجرا برمی‌گشت. فالاچی از تعطیلی روزنامه آیندگان می پرسید و در مقابل از ارتباط این مطبوعات با صهیونیست ها می شنید. از نقش منافقان و توده‌ای ها و چریک فدایی می پرسید و دقیقه‌ای بعد چشم هایش به حقیقت خائنین سودجوی داخلی باز می شد. دست آخر هم پس از آنکه نقبی به دموکراسی، دیکتاتوری، اعدام ها و اخراج شاه از ایران می زند، از زنان می پرسدکه ملزم به پوشش چادرند. بعد هم آن ها را به عنوان عضوی مؤثر از بدنه انقلاب، شایسته این اندازه محدودیت نمی داند. رهبر انقلاب اما این بار نیز با تأکید بر آزادی زنان در انتخاب نوع پوشش حجاب، می‌گوید: «این یک اختیاری است برای آن ها، خودشان اختیارکردند. شما چه حقی داریدکه اختیار را از دستشان بگیرید؟ ما اعلام می‌کنیم به زن ها که هر کس چادر می خواهد یا هرکس پوشش اسلامی، بیاید بیرون. از ۳۵ میلیون جمعیت ما ۳۳ میلیونش بیرون می آید. شما چه حقی داریدکه جلو این ها را بگیرید؟ این چه دیکتاتوری است‌که شما نسبت به زن ها دارید؟» پس از این گفت وگو، اوریانا به ایتالیا برمی‌گردد. ضبط صوت را روشن می‌کند و فصلی از گفت وگوهای جهانی اش را مکتوب می‌کندکه بعدها درکتاب تحت عنوان «گفتگوهای اوریانا فالاچی» منتشر می شود در حالی‌که جهان تصورات او از امام خمینی(ره) پس از سفر به ایران جوری تغییر کرده بودکه جایی در یکی از مصاحبه هایش اقرار می‌کند تصویرش از امام(ره) چیزی شبیه به مجسمه میکل آنژ است: «خمینی خوش قیافه ترین پیرمردی بودکه در عمرم دیده ام. زمین تا آسمان با دیگر رهبران خاورمیانه مثل قذافی و عرفات‌که مثل عروسک های خیمه شب بازی بودند فرق داشت. خمینی چیزی مثل پاپ یا یک سلطان مقتدر بود، یک رهبر واقعی. مردم ایران بیش از اندازه او را دوست داشتند[...].»

## ایستادگی قلم در برابر جنگ و بی عدالتی

اوریانا فالاچی از بیست سالگی با ستون کوچکی در یک روزنامه محلی کار خود در خبرنگاری را آغازکرد و در مدتی‌کوتاه به یک خبرنگار در عرصه بین الملل تبدیل شدکه در معتبرترین نشریات اروپایی قلم می زد. سپس در پی سال ها فعالیت حرفه ای در زمینه پوشش خبری جنگ ها و انقلاب ها، مصاحبه جنجالی و نگارش مقالات و کتاب های متعدد، موفق به دریافت جوایز بسیاری از جمله مدال طلای تلاش فرهنگی برلوسکونی، جایزه آمبرگنو درو؛ معتبرترین جایزه شهر میلان، جایزه آنی تیلور مرکز مطالعات فرهنگ عامه نیویورک شد. اهل خبر او را به مصاحبه با چهره های برجسته جهانی می شناسند و اهل ادبیات او را با اثر مشهورش با عنوان «نامه به‌کودکی‌که هرگز زاده نشد». در هر دو گونه فعالیت های فالاچی، آنچه همواره به چشم میخورد، قدرت واژه های او در انعکاس چهره زشت خشم جهانی و بی عدالتی بود. فالاچی سرانجام در سن هفتاد و هفت سالگی پس از نزدیک به پنج دهه قلم فرسایی، بر اثر سرطان ریه از دنیا رفت و در زادگاه خود فلورانس، به خاک سپرده شد.

کوچه

# محبت نسخه امام خمینی(ره) برای مردم و حاکمیت

غلامرضا بنی اسدی
روزنامه نگار

زبان حکومت در تعامل با مردم باید زبان محبت و خیرخواهی باشد. در نگاه امام خمینی(ره) این یک ضرورت راهبردی است که ریشه در منهج نبوی و علوی دارد. «باید مملکت اسلامی به پیغمبر اسلام و ائمه اسلام اقتدا بکنند[1]» اقتدایی چنین به قیام عدل و گسترش داد می انجامد. در این نظام، حق، دادنی است. تجربه تاریخی زیست در زمان پیامبر اعظم الهی(ص) و مولاامیرالمؤمنین(ع) به‌ما می گوید، در اعطای حق به صاحب آن لحظه ای هم تعلل روا نیست چه رسد به تردید. در نظام های باطل است که تردید در دادن حق به ندادن آن منجر می شود. این جاست‌که «حق گرفتنی است» معنا پیدا می کند و افراد باید برای گرفتن حق خود، از همه ظرفیت ها استفاده کنند. قیام های عدالت محور علیه ظلم اتفاق افتاده که در حکومت اسلامی جزو «صفاتِ سلبیه» از حکومت است. آنچه به عدل جای آن به عنوانِ صفات وجوبی مطرح می‌شود، خدمت به مردم است. التزام حکومت به خدمت را امام خمینی(ره) چنین تبیین می کنند: «حکومت ها باید خدمتگزار ملت ها باشند، چنانچه در اسلام این سیره بود که حکومت در خدمت مردم بود.[2]» امام نگاه از بالا به پایین را برای حکومت نمی پسندند. در منهج خمینی(ره)، مردم به واقع ارباب و صاحب حق اند و حکومت جز خدمت تمام ساحتی برای ارتقای تمام ساحتی و به فعلیت رساندن همه استعدادها، شأن دیگری ندارد. همه در خدمت ملت هستند، دولت در خدمت ملت است، ما همه در خدمت ملت هستیم.[3] اتفاقا این بزرگ ترین ارزش است. خروج از مهندسی خدمت نه تنها ارزشی تولید نمی کند بلکه خارج شدگان را چون سکه از رواج افتاده، از ارزش می اندازد. در همین سال هایی که از عمر انقلاب گذشته است، خوب تجربه‌کرده و به‌یاد داریم که فقط کارگزارانی در نگاه مردم به احترام جاودانه می‌شوندکه برای خود جز خدمت شأنی قائل نبوده اند. آن هایی که بالانشینی آن ها را به خودبینی و خود برترشماری گرفتار کند چنان از چشم مردم می افتند که صدای شکستن استخوان هایشان تا آسمان می رسد. این ها از چشم خدا هم می افتند. مردم عیال خدایند. صاحب حق اند و خدا هم بر حق آن ها غیور است. امام(ره) فراتر از خدمت، بر محبت در خدمت هم تأکید دارند راز ماندگاری نظام ها هم همین است. لذا می فرمایند «کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است، ملت از شما راضی است، قدرت در دست شما باقی می ماند و مردم هم پشتیبان شمایند[4]» امام مسئولان را به یک دادوستد پرسود برای حکومت و ملت فرامی خوانند «عمده این است که روح مَحبت از شما ببینند، وقتی دیدند شما مَحبت به آن ها دارید، آن ها هم به شما مَحبت پیدا می کنند، یک امر طبیعی است این معنا.»[5] این هم باعث ماندگاری نظام و توسعه خدمت به مردم می شود. باری، حکومتی که علت موجده اش مردم اند علت مبقیه اش را هم باید در میان مردم بجوید.

پی نوشت ها:
۱-صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۹
۲-صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۱۷
۳-صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۱۹
۴-صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۱۲
۵-صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۱۰

هنر روز

طرحی از عماد حجاج هنرمند اردنی، که در واکنش به جنایت های رژیم صهیونیستی در رفح، خلق شده است.
گفتنی است عماد حجاج چهارسال پیش نیز در واکنش انتقادی به عادی سازی روابط امارات متحده و رژیم غاصب صهیونیستی طرحی کشید که با فشار صهیونیست ها مدتی را در زندان سپری کرد.